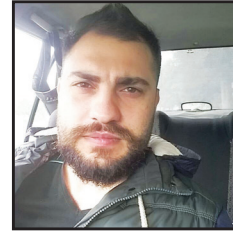


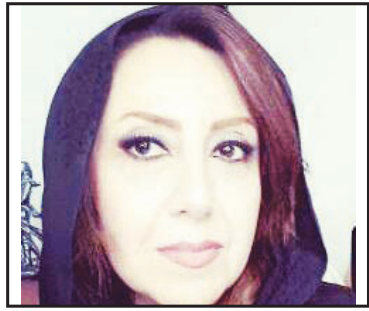


کدام جاده را به انتظار بنشینم
بغض، استخوانی ست در گلویم
لعنت به غریزه
که ذات تو را به افسانه شدن دچار کرده
با چشم‌هایت بیا
تا جاودانه شوی در عبور زمان
و تیغ خیالم به پایت نرود

دل آشوبم
افکارم سرم را می‌کوبد به خیال
در جهانی که دور سرم می‌چرخد
تنهایی مثل خوره افتاده به جانم
بی تو
اتاقم سقشش را به باد داده
می‌سوزم زیر بارش اندوه



سعید اکبرنیا



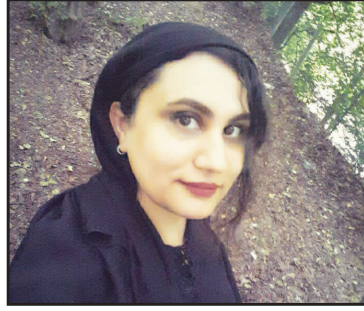
مریم حشمت پور

پایانم
نقطه حق حیاتی
که هر سطر مرا بلعیده
به انتها رسیده
و این خلاصه
رمان بلند من است

من پایانم
و نقطه
اگر سرخطی نشان دهد
می‌روم
می‌روم
جایی برای آسودن نیست
و صبح
این صبح
سماجت شبنم را می‌جوید

اما؛ اگر خدا بخواهد
اگر نخواهد ...

و هزار نقطه،
یک نقطه نمی‌شود
اگر تو نخواهی
کجا ادامه پایانم ...؟!
کجا ...



عاطفه غلامزاده

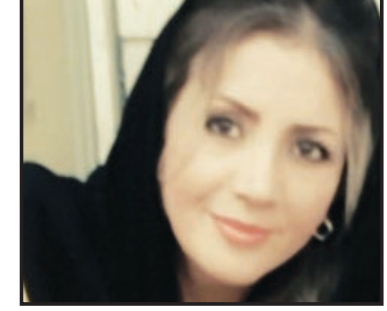
گر گرفته‌ام
مصلوب شده‌ای
بر بیرق بی ستون
و قلبی که تراشیده شد
میان تراشه‌های سینه‌ام
تن مرداری
که پایبج توهم بود
قسم
به استخوان
به شاخه‌های شکسته‌ام
که ساز شد
تا متلاشی شود
رنج مدام بر شقیقه‌ام
و خاکستر طیف‌هایی
که یورش می‌برند
هر سپیده
بر گرگ و میش تنم



صدیقه صنیعی

خزان

پاییزی یعنی سردی نگاهت
و زردی گونه‌هایم
پاییزی یعنی
افتادن من
از چشم‌های تو
و
بارش یکریز چشم‌های من
پاییزی یعنی
هر فصلی که تو در آن نباشی
پاییزی یعنی
من؛ منهای تو
حتی در اولین روز بهار



زهرا داودی (داناک)

در دلِ خوشبینی ات، انکار می‌کردی
مرا
جایِ آن در دستِ غم احضار می‌کردی
مرا
در صفای بامِ تو جایی برای من نبود؟!
بر کویرِ سردِ خود، اصرار می‌کردی مرا
یکدم از دردِ فراق هرگز نرنجیدی ولی
دم به دم بر این بلا، اجبار می‌کردی مرا
عمری از مهر و وفا حرفی نگفتی با دلم
لیک در جور و جفا، تکرار می‌کردی مرا
اعترافی از حقیقت‌ها نبود اما چه سان
در میان صد
گنه، اقرار می‌کردی
مرا...



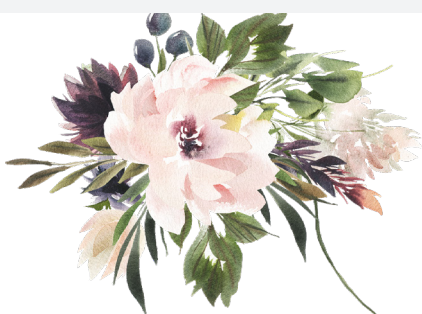
من از این جایگاه، خرم و خوش،
سرافرازی، دل خندان گرفتم!
چه جایی جای نیکوی، بهشتی،
که از این جا دل رخشان گرفتم!
چو دادم دل به مهر، (شیربازو)،
از او سرمایه، جانان گرفتم!
دلم با (شوستر) چون شد هم آواز،
از این شهر، نکو پیمان گرفتم!
چو بودم (جوهری)، پاک پیمان:
نشان از (شوستر) شادان گرفتم!

(قصیده، کوتاه برای شوستر، زیبا
و سراینده، برجسته استاد، ارجمند:
(محمود، شیربازو)!)
*
نشان، (شوستر) از جان گرفتم!
از این زیبا نشان سامان گرفتم!
دلم شد روشن از نامش که هر دم،
شکوفایی از این بستان گرفتم!
به مهر، (شوستر) تا بسته‌ام دل،
به لبخندش جهان آسان گرفتم!



محمد جوهری

(شوستر)!
به زبان پارسی پیش رو،
دوتایی، وابسته، کوتاه به جای، =



خط و خال و خیالت، بس تماشایی

کنم قبله کمان طاق ابرویت
شود بانگ اذانم غرق شیدایی

چه زیبا می‌شود آهنگ چشمانم
دلم خوش می‌شود وقتی تو اینجایی

چنان درد شرابی، سخت گیرایی
بسان خواب خوش، بسیار زیبایی

بهار چشم تو غرق گل و سوسن
چنان باغ گلی انگار رؤیایی

بود "ها"ی نفس‌هایت دم عیسی



زیبا حسینی جیر ندهی

منتظر داستان و اشعار شما هستیم
لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر
روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمایید.
ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است
و مطالب ارسالی برگشت داده نمی‌شود.
toloudaily@gmail.com
کارشناس (این شماره) سرویس ادبی-هنری: محمود شیربازو